

نمایش میدانی

درباره حزب ا... لبنان رایگان شد

نمایش میدانی «ساعر ۵» با کارگردانی و بازی امین زندگانی از دوشنبه در اراضی عباس‌آباد اجرا می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند بلیت بعضی از سانس‌های آن را رایگان تهیه کنند. نمایش میدانی ساعر ۵ محصول بنیاد مکتب حاج قاسم است و هزینه بخشی از بلیت‌های این نمایش توسط مراکز فرهنگی پرداخته‌شده وعلاقه‌مندان برای شرکت در بعضی از سانس‌های آن لازم نیست هیچ

هزینه‌ای پرداخت کنند. این نمایش به نویسندگی و کارگردانی امین زندگانی و تهیه‌کنندگی حسین پارسایی، روایت یکی از مهم‌ترین رخداد‌های جنگ تموز ۲۰۰۶ (۳۳ روزه) با هنرنمایی هنرمندان ایرانی و لبنانی است. در نمایش میدانی ساعر ۵ بازیگرانی مثل سیامک صفری، آن ماری سلامه، شیمما جعفرزاده، محمدرضا سامیان، محمدامین پازکی، ترنم کرمانیان، نفس جعفری و امین

[۱] ما پیش از این هم در این سال‌ها با آثار هنری در قالب فیلم، تئاتر و کتاب مواجه بوده‌ایم که از منظرهای گوناگون به زوایای زندگی مسیح(ع) پرداخته‌اند، باین حال درباره خود شما چه عاملی سبب شد تا چنین موضوعی را دستمایه اجرای یک نمایش قرار دهید؟

من برای یافتن سوز و موضوعی که می‌خواهم آن را دستمایه نوشتن قرار دهم، تلاش پیچیده‌ای نمی‌کنم. گاهی خواندن یک کتاب یا یک خبر در روزنامه در کشور خودم یا هر جای دنیا ممکن است در لحظه، چنان برای من تأثیرگذار باشد که ذهنم را به خود مشغول کند. مثلا یک روز، در هواپیما خیلی اتفاقی روزنامه را باز کردم و خبری درباره محاکمه میلوشوویچ خواندم که در دادگاه لاهه در حال برگزاری بود. همان موقع به یاد نوشته‌ای افتادم که سوزان سونتاک درباره حضورش در سارایوو نوشته بود. هنگامی که این شهر در محاصره سربازان و تک‌تیراندازان ژنرال رادوان بود، او با هنرمندان تئاتر آنجا برای امیدبخشی به مردم سارایوو پرده اول نمایش «در انتظار گودو» را کارگردانی و اجرا می‌کند. این مسأله مبنای نوشتن من برای نمایشنامه «درخشش در ساعت مقرر» قرار گرفت. اگر بخواهم راحت‌تر بگویم، این سوزها و آدم‌ها هستند که من را پیدا می‌کنند. همان‌طور که اصلا فکر نمی‌کردم روزی درباره «سقراط» نمایشنامه بنویسم. با دوستی در یک کافه نشسته بودیم و درباره ادبیات حرف می‌زدیم که او

به من گفت: «چرا تا امروز درباره سقراط چیزی ننوشته‌ای؟» همان لحظه فکر کردم چرا به ذهن خودم نرسیده بود که درباره این شخصیت تأثیرگذار و دراماتیک بنویسم؟! از فردای همان روز جست‌وجوی من در کتاب‌فروشی‌ها برای شناخت بیشتر آن شخصیت شروع و باعث شد نمایشنامه «سقراط» را بنویسم. زمانی که نمایشنامه سقراط را می‌نوشتیم به نوشته‌ای از یکی از روشنفکران اروپایی برخوردیم که گفته بود: «گناه و خطای

دو انسان بی‌گناه یکی سقراط و دیگری مسیح(ع) تا ابد برگردن ما غربی‌ها خواهد بود...» وقتی نگارش سقراط به پایان رسید به این فکر کردم که روزی درباره مسیح(ع) هم بنویسم. البته این ماجرا چند سال طول کشید تا این‌که در سال ۱۳۹۵ احساس کردم این سوزۀ ذهنم را درگیر کرده است و باید آن را بنویسم. هرچند برای نوشتن این نمایشنامه، چندان دست به مطالعه پیچیده‌ای ن‌زدم، چراکه سال‌ها در زمینه تاریخ ادیان و آیین‌ها همانند مهرپرستی، میترائیسم، زرتشت، یهودیت، مسیحیت، اسلام و کتاب‌های مقدسی چون اوستا، ارداویرافنامه، تورات، انجیل و قرآن مطالعه کرده بودم. می‌خواستم نمایشنامه‌ام با تمام روایت‌هایی که تا امروز درباره مسیح(ع) نوشته شده تفاوت داشته باشد، فارغ از کاراکترهای تکراری مثل مریم‌مقدس، مریم‌مجدلیه، حواریون، یهوذا و پس سراغ کاراکترهای کمترشناخته‌شده رفتم.

[۲] اگرچه آنچه شالوده‌این نمایش را تشکیل می‌دهد بخشی از زندگی حضرت مسیح(ع) است.

زندگانی بازی می‌کنند. ساعر ۵ با حمایت منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد و مشارکت مجموعه باغ کتاب تهران از هفته دوم دی‌ماه ساعت ۱۸:۳۰ در گذر فرهنگ اراضی عباس‌آباد واقع در پشت باغ کتاب اجرا خواهد شد. مجموعه فرهنگی عباس‌آباد فضایی بسته برای مهمانان تدارک دیده است. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت نماتیک مراجعه کنند.



همین‌طور است، به خصوص این‌که حضرت مسیح(ع) یکی از پیامبران بزرگ و صاحب‌کتاب است و همه مردم جهان برای او احترام قائلند. من هم سعی کردم با وجود این‌که تا به حال، چند نمایشنامه درباره او در ایران نوشته و کار شده بود، نگاه خود را در این اثر داشته باشم و برای مخاطبان امروز حرف بزنم. نمی‌خواستم مخاطبان فکر کنند صرفا شاهد یک روایت تاریخی‌اند. به عبارتی در این نمایش، مثل همیشه تاریخ را روی میز انکونیت قرار داده‌ام تا وقتی مخاطب به تماشای نمایش می‌نشیند، فاصله بین خود و ۲۰۰۰ سال پیش را کوتاه‌تر ببیند یا احساس کند که خودش در آن زمان است و بعکس.

[۳] به نظر شما نگارش نمایشنامه‌هایی از این دست چقدر می‌تواند با نگاه صرفا وفادارانه به مستندات تاریخی نوشته شود و چقدر هنرمند مجاز است برای دراماتیزه کردن آن به دخل و تصرف بپردازد؟

جان کیلگاد (شکسپیرین بزرگ انگلیسی) در جایی می‌گوید: «ما خیلی خوشحال می‌شویم که برخورد‌های نو و نگاه‌های تازه‌ای را به آثار شکسپیر در اروپا و آمریکا و دیگر نقاط جهان ببینیم؛ ولی اجازه بدهید ما بازیگران تئاتر انگلیس، همچنان بازیگران شعر شکسپیر باشیم، چراکه هیچ‌کس در جهان قادر نیست مثل ما انگلیسی‌ها شعر او را اجرا کند.» این حرف مهمی است. از این جهت که هرگز نمی‌توان تاریخی که ثبت شده یا اثر کلاسیکی که نوشته شده را تحریف کرد و تغییر داد. وقتی من به عنوان یک «شاعر دراماتیک» می‌خواهم نمایشنامه‌ای را براساس تاریخ یا یک اثر کلاسیک بنویسم، قرار نیست صددرصد به تاریخ یا آن اثر کلاسیک وفادار بمانم؛ بلکه می‌توانم تاویل خود را به مخاطبان ارائه دهم را البته وفاداری به تاریخ یا یک اثر کلاسیک فی‌نفسه بد نیست. گاهی اقتباس می‌تواند در فرم اتفاق بیفتد، این مسأله

مسلم است که من تاریخ نگار نیستم؛ شاعرم و برداشت خود را از تاریخ به‌دست می‌دهم. آثار کلاسیک برای ادامه حیات خود چاره‌ای ندارند که دراماتورژی شده تا برای نسل و جامعه امروز ضروری و تأثیرگذار به حساب بیایند. همین الان اگر بخواهیم «شاه‌لی» اثر شکسپیر را به همان شکلی که ترجمه شده بدون کم‌وکاست روی صحنه ببریم، مخاطب ایرانی توانایی تماشای یک نمایش چهارساعته را ندارد. یا در خیلی جاها، مباحثی در ساختار نمایشنامه‌های عصر الیزابت و شکسپیر وجود دارد که دیگر امروز‌روز در ساختار درام‌نویسی مدرن رعایت نمی‌شود؛ مثل «خودافشایی کاراکترها». در عصر شکسپیر، کاراکترها، افکار و نیات خود را به شکل مستقیم برای مخاطب بیان می‌کردند. اما این مؤلفه دیگر در نمایش‌های امروز پسن‌دیده نیست. ما کاراکترها را براساس اعمال‌شان قضاوت می‌کنیم، نه گفتارشان. پس اگر سراغ متون ادبیات کلاسیک ایرانی یا هر اثر بزرگ جهانی می‌رویم، برای تأثیرگذاری و پاسخ به پرسش‌های ذهن جوان امروز ناچار به تغییر هستیم.

[۴] با توجه به این‌که برخی از نمایش‌هایی که امروز روی صحنه می‌روند بیش از آن‌که به ارتقای بینش و تفکر مخاطب منجر شوند

حال و هوایی سرگرم‌کننده دارند، جایگاه تئاترهای اندیشه‌ورز را چطور ارزیابی می‌کنید؟

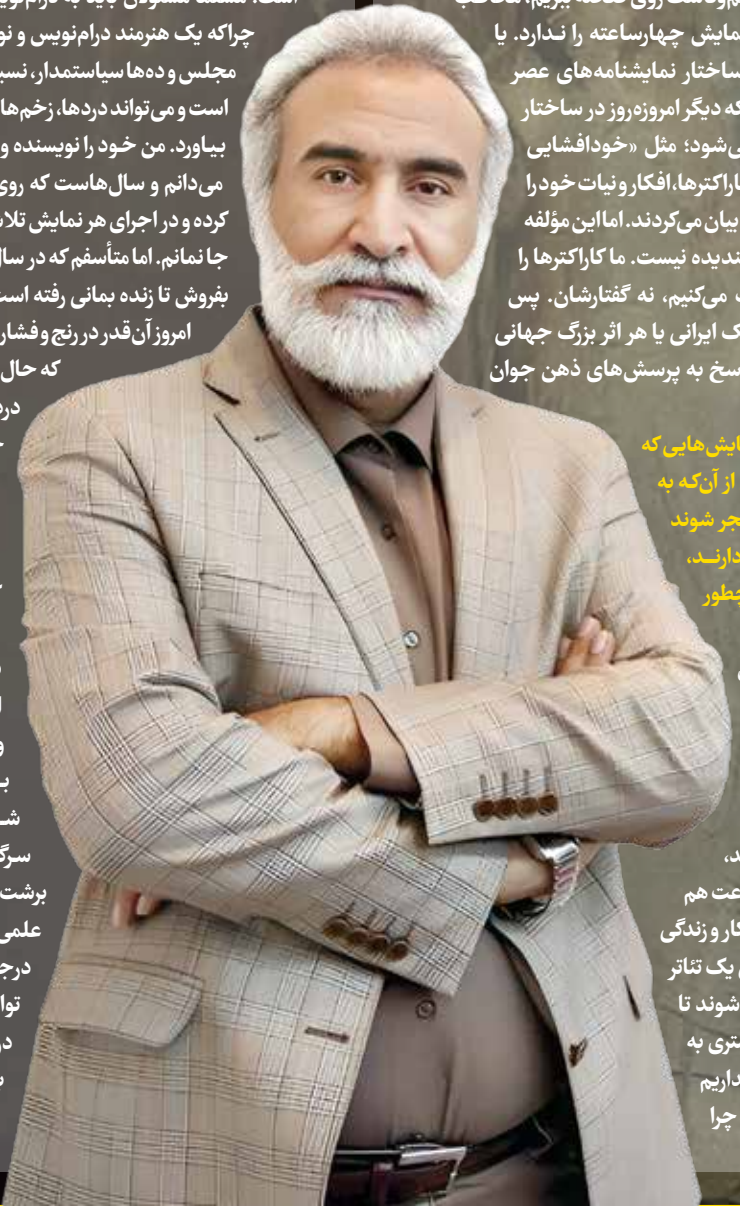
پیش از هر چیز باید به این مسأله اشاره کنم که ما در کنار تئاتر اندیشمند، جدی و متفکر به تئاتر سرگرم‌کننده هم نیاز داریم. برخی از مخاطبینی که مشاغل سخت و پرفشار دارند، محق هستند تا برای یکی دو ساعت هم که شده، از استرس‌های محیط کار و زندگی خود فاصله گرفته و به تماشای یک تئاتر آزاد بنشینند، بخندند و سرگرم شوند تا بتوانند صبح فردا، با انرژی بیشتری به سر کار خود برگردند. ما حق نداریم به این تماشاگر خرده بگیریم که چرا



این فاجعه است که امروز در تئاتر شهر آثار روی صحنه می‌روند که حرفه‌ای و استاندارد نیستند؛ درحالی‌که تئاتر شهر تهران نباید جایی برای تجربه‌اندوزی تازه‌کاران باشد

چنین تئاتری را انتخاب کرده است. تئاتر آزاد، استند‌آپ‌کمدی و اساسا تئاترهای سرگرم‌کننده، در همه جای دنیا مخاطبان خود را دارند. اما آنچه در روزگار ما اتفاق افتاده این است که تئاتر اندیشمند و دغدغه‌مند مغفول واقع شده است. این فاجعه است که امروز در تئاتر شهر آثاری روی صحنه می‌روند که حرفه‌ای و استاندارد نیستند؛ درحالی‌که تئاتر شهر تهران نباید جایی برای تجربه‌اندوزی تازه‌کاران باشد. تئاتر شهر باید جای حرفه‌ای‌ها باشد. کما این‌که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و حتی تا اواسط دهه ۹۰، قبل از این‌که تئاتر به اندازه امروز از نفس بیفتد، ما به‌راحتی می‌توانستیم در هفته، ۲-۳ نمایش درخشان و باشکوه ببینیم. این اتفاق حیرت‌انگیزی در تاریخ تئاتر ما بعد از پیروزی انقلاب بوده است. اما از آنجا که برخی از مسئولان فرهنگی، گاه از هنرمندان و جریانات هنری دنیا و کشور عقب‌تر بودند، تئاتر را از مسیر اصلی خود منحرف کرده و به نابودی کشاندند. خاطرم هست در دوره‌ای که آقای حسین پارسایی مدیریت مرکز هنرهای نمایشی را به‌عهده داشت، این مسأله مطرح شد که هر نمایش باید یک‌ماه تمرین و یک‌ماه اجرا داشته باشد. این حرف به این معنی است که اگر زمان تمرین یک تئاتر اخیانا شش‌ماه به طول بینجامد، به معنی اتلاف وقت است. تفکری که در آن زمان مطرح شد، بسیار خطرناک بود و باعث شد پایه‌های تئاتر ما سست شود. یا کارگاه‌های دکور و لباس از تئاتر شهر، تالار وحدت، تالار سنگلج، تالار هنر و تالار مولوی که «تئاترهای مولد» هستند، برجیده شده و بزرگ‌ترین ضربه را به پیکره تئاتر ما وارد کند. طوری که درحال حاضر، دکورساز و خیاط حرفه‌ای تئاتر نداریم و هنرمندان ناچارند گاه به کیلومترها خارج از تهران بروند و دکورهای خود را به سازندگان سفارش دهند. مثلا دکور نمایش «فردریک» به کارگردانی من در نظرآباد کرج ساخته شد. این درحالی‌است که هنرمندان خیاط و دکورساز تئاتر، بیکار و خانه‌نشین شده‌اند.

پس اگر امروز تئاتر به این نقطه رسیده، به این خاطر است که سیاست‌گذاران فرهنگی در دوره‌های پیشین، شناختی از تئاتر اندیشمند نداشته و آن را مورد حمایت قرار نداده‌اند. جریان «تئاتر خصوصی» که دیگر اظهارمن الشمس است، مسلمانان باید به درام‌نویسان توجه بیشتری نشان دهند، چراکه یک هنرمند درام‌نویس و نویسنده تئاتر بیش از صد نماینده مجلس و ده‌ها سیاستمدار، نسبت به بحران‌های اجتماعی آگاه‌تر است و می‌تواند دردها، زخم‌ها و سیاهی‌های جامعه را روی کاغذ بیاورد. من خود را نویسنده و کارگردان جدی و حرفه‌ای تئاتر می‌دانم و سال‌هاست که روی موضوعات جدی و تاریخی کار کرده و در اجرای هر نمایش تلاشم این بوده است که از مخاطبان حانمانم، اما متأسفم که در سال‌های اخیر روند تئاتر ما به سمت بفروش تا زنده بمانی رفته است. واقعیت این است که مخاطب امروز آن‌قدر در رنج و فشار است که انتظار دارد نمایشی ببیند که حال او را خوب کند یا او را در فراموشی دردهایش غرق کند. به همین خاطر است که گاه از نمایش‌های هشداردهنده و ملتهب استقبال چندانی نمی‌شود. اما این‌به معنای آن نیست که هر تئاتری که دارای ایده و نگاه جدی است مخاطب نداشته باشد. یک بخش از وظیفه هنرمند تئاتر این است که سخت‌ترین موضوعات و مباحث را به گونه‌ای روی صحنه بیاورد که مخاطب جذب آن اثر شود. وظیفه تئاتر در قدم نخست سرگرم‌کردن مخاطب است. بزوتلت برشت مبدع و آفریننده تئاتر آموزشی، علمی و انتقادی معتقد است که تئاتر در درجه اول باید سرگرم‌کننده باشد. اگر توانستیم مخاطب را سرگرم کنیم و او را در سالی تئاتر بنشانیم، در گام‌های بعدی، می‌توان اندیشه و ایده را هم با او در میان گذاشت.



به انگیزه اجرای این روزهای نمایش «ایک انسان» در مجموعه تئاتر شهر با حمیدرضا نعیمی، کارگردان درباره ویژگی‌های این اثر و وضعیت امروز هنر تئاتر گفت‌وگو کرده‌ایم

آسیب‌های غفلت از تئاتر دغدغه‌مند

حمیدرضا نعیمی، یکی از کارگردانان و نمایشنامه‌نویسان با سابقه در حوزه تئاتر به‌شمار می‌رود. او تا امروز نمایش‌های متعددی را روی صحنه برده که از میان آنها می‌توان به مکتب، وعده‌گاه نهنگ‌ها، فردریک، خانه کاغذی، شب بی‌پایان فاخته، لاله‌زار تئاتر پارسی و ... اشاره کرد. «ایک انسان» تازه‌ترین اثر نمایشی این کارگردان است که اجرای آن از روزهای گذشته در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفته است. این نمایش به برهه‌ای از زندگی حضرت مسیح(ع) اختصاص دارد که نعیمی تلاش کرده تا نگاهی نو و امروزی نسبت به این روایت تاریخی داشته باشد.



آزاده سلطانی گروه فرهنگ و هنر



الناز ملک با «کوراالین» همراه شد

الناز ملک، بازیگر تئاتر و سینما به جمع بازیگران نمایش موزیکال «کوراالین» به کارگردانی امیدرضا سپهری و تهیه‌کنندگی مریم نراقی پیوست. ملک با بازی در سریال «سقوط» معرفی شد و این روزها با سریال «زخم‌کاری» در بسترهای نمایش خانگی حضور دارد. او پیش از این برای بازی در نمایش تک‌پرسوناژ «آنا» به کارگردانی امیر دژاکام در سال ۱۴۰۲ نیز برنده بهترین جایزه بازیگری جشنواره مونودرام تونس شده است. نمایش موزیکال کوراالین بعد از داستان عذرخواهی از آقای امانوئل، عروس مردگان و مرگ تصادفی یک دراکولا چهارمین نمایش موزیکال گروه مربع ۱۱ و دومین همکاری مشترک مریم نراقی به عنوان تهیه‌کننده و امیدرضا سپهری به عنوان کارگردان است. این نمایش اقتباسی است از انیمیشن کوراالین به نویسندگی نیل گیمن که سال ۲۰۰۹ توسط کمپانی لایکا ساخته و با استقبال مخاطبان مواجه شد.



«راه خروجی نیست» از فردا آغاز می‌شود

همزمان با انتشار پوستر و آغاز بلیت‌فروشی نمایش «راه خروجی نیست» به کارگردانی طاها محمدی و تهیه‌کنندگی حسین اسماعیلی، عوامل این اثر برای اجرا در عمارت نوفل‌لوشاتو معرفی شدند. نمایش راه خروجی نیست، نوشته ژان یل سارتر، نمایشنامه‌نویس مطرح فرانسوی با ترجمه‌ای از حسین اسماعیلی و فائزه تاجیک از ساعت ۲۱:۳۰ فردا در عمارت‌نوفل‌لوشاتو روی صحنه می‌رود. مریم مومن، شهرزاد کمال‌زاده، سیدجمشید حسینی، پگاه مرادی و طاها محمدی بازیگران اصلی این نمایش هستند. ملیکا نعمت‌زاده، سارا نجفی، حسن سیف‌الهی، سوگند همتی، امیرحسین امانی، کوثر عرفانی و محمدحسین کرم‌زاده دیگر بازیگرانی هستند که در این نمایش حضور دارند. این نمایش، روایتگر زندگی سه نفر با سرگذشت‌های متفاوت است که در اتافی درسته، بدون هیچ آینه و پنجره‌ای کنار هم قرار گرفته‌اند و به‌دنبال راهی هستند برای راهی ...

صحنه

تماشای «شش پنگوئن کوچک» در تالار هنر

این خبر برای خانواده‌هایی که دوست دارند فرزندان‌شان را به دیدن تئاتر ببرند جذاب است: نمایش «شش پنگوئن کوچک» به کارگردانی رضا عبدالعلی‌زاده از ۴ دهم دی ساعت ۱۹ در تالار هنر روی صحنه می‌رود. بازیگران و عوامل این اثر عبارتند از منشی صحنه: مریم ذکاوتی، نویسنده: بوریس آپریلوف، مترجم: روزبه امامی، دستیار کارگردان: سعید تاجیک، مدیر صحنه: محمدطاها غیبی، دستیار صحنه: فاطمه بیات و بازیگران: پویا پیروزرام، سعید تاجیک، میثم میثاقی، شادی کارآیین، بیتا بشیری، هادی شبانی، مریم کوچک‌خانی، ترگس ویسی، زهرا سمواتی، تارا امیرافشار، محمدطاها غیبی. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: پنگوئن بزرگ به پنگوئن‌های کوچک هشدار می‌دهد که مراقب خرس قطبی وحشی باشند و از او دوری کنند. اما شش پنگوئن کوچک سفری آغاز می‌کنند برای یافتن خرس قطبی وحشی

قاب

